اخبار

دیدگاه فرمانده کل سپاه پاسداران درباره نمایش «نسیان»

سردار محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران پس از تماشای نمایش آیینی-مذهبی «نسیان» به کارگردانی محمدرضا مداحیان به بیان دیدگاه خود طی توضیحاتی پرداخت که در آن آمده است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

من در ابتدا تشکر می‌کنم از همه بازیگران، تهیه‌کننده، کارگردان و عوامل این مجموعه که واقعیت‌های جامعه و زندگی انسان‌ها را به تصویر کشیدند، حقیقت کربلا را، دفاع از حق را و اینکه مردمان در همه اعصار و دوران اگر بخواهند در تابعیت حق باشند، در تابعیت راه امام حسین علیه‌السلام باشند، خیلی سخت است و به این سادگی نیست، هرچند که مردم ما الحمدلله نشان دادند که پیرو راه حسین علیه‌السلام هستند. ما این انقلاب اسلامی را مدیون بصیرت و ایمان مردم خودمان می‌دانیم و انصافاً هم این ماجرا؛ این ماجرا که نشان داده شد به عنوان نسیان یعنی فراموشی مردمان، یک واقعیتی است که به هر حال اکثر جوامع با آن روبه‌رو هستند اما مردم ما خلاف این را نشان دادند که بستر انقلاب اسلامی و بسترساز انقلاب اسلامی مردم عزیز ما هستند که در واقع دارند راه کربلا، راه امام حسین علیه‌السلام را ادامه می‌دهند. شما سعی کردید این واقعیت را که بسترساز انقلاب اسلامی است، در جامعه ما و مردم ما، نشان دهید. همچنین تفاوت مردم ما با سایر مردم که دنبال زندگی و دنیا و اینها هستند را نشان دهید. «نسیان»، انتقال‌دهنده این پیام بود؛ اقدام بموقع در راه حق، دفاع بموقع از حق که معمولاً انسان‌ها دیر این کار را انجام می‌دهند؛ البته مردم ما، کلیت مردم ما- درنظر داشته باشیم که مردم از هم متفاوت هستند، نگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی دارند- در واقع همان درصد قابل توجهی از مردم ما که با عمق بصیرت‌شان، با عمق ایمان‌شان این راه را دارند ادامه می‌دهند، دارند نشان می‌دهند تا الآن که در واقع خلاف اکثریت دارند حرکت می‌کنند و تا الآن که فراموش نکرده‌اند، ان‌شاءالله که تا ادامه راه هم به همین صورت باشند و ما بتوانیم انقلاب اسلامی را، این نهضت امام‌خمینی(ره) که واقعاً احیاگر اسلام ناب محمدی است را تا آخر ادامه دهیم و زمینه‌ساز ظهور آقا امام زمان عجل‌الله باشیم. در پایان تشکر می‌کنم از همه شما دوستان و امیدوارم ان‌شاءالله هر سال بتوانید کارهای بهتری نسبت به سال قبل ارائه دهید».

■■■

برگزاری دهمین سالگرد شهدای رسانه

دهمین سالگرد شهادت شهدای اصحاب رسانه و ارتش جمهوری اسلامی ایران با حضور جمعی از فرماندهان ارتش و مدیران و کارکنان رسانه ملی در بهشت زهرا(س) برگزار شد. علی‌اصغر جعفری، معاون سرمایه انسانی صداوسیما در این مراسم با قدردانی از زحمات خبرنگاران و تصویربرداران شهید رسانه ملی به تشریح اهداف و آرمان‌های بلند حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در زنده نگه‌داشتن اسلام ناب محمدی پرداخت و گفت: در سایه همین شهادت‌ها امروز اسلام در سراسر عالم مثل خورشیدی می‌درخشد و انقلاب اسلامی ما تبلور اندیشه اسلام ناب محمدی و فرهنگ حسینی است. جعفری با اشاره به اینکه امروز مردم آزاده جهان، اسلام ناب محمدی را از اسلام آمریکایی بخوبی تشخیص می‌دهند، گفت: اگر راهبری‌های پیامبرگونه مقام معظم رهبری در دنیای امروز استکباری نبود ما با یک بحران روبه‌رو می‌شدیم.

■■■

«دختر شینا» به رادیو نمایش می‌رود

نمایش رادیویی «دختر شینا» به کارگردانی آشا محرابی در رادیو نمایش وارد مرحله تولید شد. نمایش رادیویی «دختر شینا» که در ۷ قسمت تولید می‌شود، براساس کتابی به همین نام است. این کتاب خاطرات زندگی قدم‌خیر محمدی‌کنعان، همسر شهید حاج‌ستار ابراهیمی‌هژیر است که توسط بهناز ضرابی‌زاده به نگارش در آمده است. بهناز ضرابی‌زاده نویسنده کتاب «دختر شینا» درباره تبدیل این اثر به یک نمایش رادیویی گفت: وقتی نویسنده‌ای اثری را می‌نویسد و منتشر می‌کند، دوست دارد کارش بعد از نوشته شدن به دست مخاطب برسد و هر چه مخاطب بیشتر باشد، احساس رضایت قلبی نویسنده بیشتر است. بنابر این تبدیل این اثر به یک نمایشنامه رادیویی باعث می‌شود آن دسته از مخاطبان که علاقه بسیاری به ادبیات شنیداری دارند از این طریق پیام اثرم را دریافت کنند و به عبارتی بتوانم پیامم را اینگونه به آنها منتقل کنم البته باید بگویم من هم زیاد رادیو گوش می‌کنم و این باعث می‌شود تخیلم همیشه فعال باشد.

نگاهی به فیلم سیاسی جاسوسی «کینگزمن: سرویس مخفی» ساخته متیو وان

غرب وحشی وحشی

متیو وان را با فیلم «مردان اکس، کلاس اول» در سال ۲۰۱۱ به خاطر خواهیم آورد اما کارگردان و نویسنده ۴۴ ساله انگلیسی امسال با فیلم «کینگزمن: سرویس مخفی» که از روی یک کمیک بوک دیگر ساخته است، به سوی روایت‌پردازی از یک نهاد جاسوسی فوق‌سری رفته است. گروه جاسوسی‌ای که از میان خلافکاران خیابانی عضوگیری می‌کند و آنها را آموزش داده و سرانجام به تهدیدی جدی علیه تمام جهان مبدل می‌کند. تصویری از اقدامات پیدا و پنهان سازمان‌ها و نهادهای غربی در سال‌های اخیر که در برنامه‌ای مشخص اقدام به فریب و عضوگیری از افراد کرده و با پرورش و بارور کردن آنها و حمایت از گروه‌های تروریستی در صدد خدشه به امنیت جهانیان برآمده و در نهایت در رویه‌ای وارونه، داد مقابله با تروریسم سر می‌دهند! از این رو فیلم ساخته شده توسط متیو وان را می‌توان تحت عنوان فیلم کمدی - وسترن «غرب وحشی وحشی» در تقابل بین حقیقتی خشونت ورزانه و ادعای مضحکانه صلح‌طلبانه قرار داد. فیلم «کینگزمن: سرویس مخفی» براساس یک داستان کمیک مصور با نام «سرویس مخفی» که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد و خالق آن مارک میلار و دیو گیبنز بودند، ساخته شده است البته این اقتباس سینمایی خیلی وفادار به منبع اصلی‌اش نیست و تقریبا تمام اجزای آن به جز خط اصلی داستان تغییر کرده‌اند. در واقع سازندگان برای اینکه این داستان بتواند بازاریابی بهتری در سینما داشته باشد، شخصیت‌های کتاب را که نام فامیل «لندن» داشتند به‌طور کامل تغییر دادند و در مجموع این داستان را از حالت بریتانیایی خارج کردند! با این نگاه فریبنده سازندگان، فیلم سیاسی و به ظاهر طعنه‌وار «کینگزمن: سرویس مخفی» به مسیری کمدی‌وار درآمد. داستان فیلم درباره جوانی به نام گری اگزی‌آنوین (تارون ادگرتون) است که پدر خودش را بر اثر یک حادثه از دست داده است اما اشراف‌زادگان را مقصر در مرگ پدرش می‌داند و از هر فرصتی برای ضربه زدن به آنها استفاده می‌کند. با این حال زندگی پر دردسر اگزی هنگام آشنایی با هری هارت (کالین فیرث) دستخوش تغییر می‌شود. هری عضو یک سازمان مخفی خصوصی به نام کینگزمن است که وظیفه برقراری امنیت به سبک و سیاق خودشان را دارند. اگزی متوجه می‌شود پدرش نیز برخلاف آنچه فکر می‌کرده نه در جریان یک اتفاق بلکه در حال انجام عملیات جان سپرده و جان بسیاری از ماموران این سازمان از جمله خود هری را نیز نجات داده است. حال هری با آوردن اگزی به داخل سازمان قصد دارد زندگی بهتری را به او تقدیم کند. «کینگزمن: سرویس مخفی» داستان بسیار ساده‌ای دارد که پیش از این بارها در فیلم‌های مختلف به طرق گوناگون روایت شده است. داستان فردی ناسازگار که به یک سازمان مهم می‌آید و در آنجا رشد می‌کند، پیش از این در آثار مختلفی همچون «مردان سیاهپوش» نیز با شکل و شمایلی متفاوت روایت شده بود اما این بار با فیلمی سیاسی مواجهیم که به جای آمریکایی‌ها که معمولا منجی جهان تصور می‌شوند، این انگلیسی‌ها هستند که دنیا را نجات خواهند داد و این تصور دروغین را چنان بال و پری تصویری می‌دهند که به سلطنت متزلزل و پرحاشیه پادشاهی خوداجر و قرب ببخشند، چنانکه در این مسیر فریبنده شاهد آن هستیم که گروهی به نام گارد پادشاهی قرار است دنیا را نجات دهد! فیلم «کینگزمن: سرویس مخفی» از آن دسته فیلم‌هایی است که هیچ هیجانی برای مخاطب جهت تعقیب سکانس‌های مثلا جاسوسی باقی نمی‌گذارد و تنها به دنبال القای تصوراتی باطل بر صفحه دیدگان بیننده است. فیلم «کینگزمن: سرویس مخفی»، اثری هرج و مرج طلبانه و دیوانه‌وار است و مردم در آن مدام در حال کشته شدن هستند. برای نمونه در یکی از سکانس‌های فیلم، سر صدها نفر به شکلی ناگهانی منفجر می‌شود و کارگردان آن را همچون شعری سادیسمی در چند دقیقه نشان می‌دهد! همچنین در رویه‌ای تمسخرگرایانه در فیلم بارها ارجاعاتی به فیلم‌های دیگر می‌شود. از طرفی خشونت حاد و ارجاعات بسیار به فیلم‌های دیگر باعث شده تا فیلم وارد حوزه‌ای شود که از آن به عنوان سینمای پست‌مدرن یاد می‌شود، حوزه‌ای که در آن عموما مشخصه‌های کلاسیک در قالبی مدرن بازآفریده می‌شوند. در صحنه‌ای از فیلم که کالین فرث اسلحه‌ها را به گری نشان می‌دهد به او اسلحه‌های کلاسیک فیلم‌های جاسوسی را معرفی می‌کند، گری به اسلحه‌ای جدید اشاره می‌کند و کالین فرث می‌گوید: «تکنولوژی به زور جای خودش رو تو دنیای جاسوسی باز کرده». همچنین لباس‌ها، فضاسازی و تجهیزات فیلم دقیقا در همین راستا طراحی شده‌اند. فیلم «کینگزمن: سرویس مخفی» برعکس ظاهر عامه‌پسندش، به شکلی خاص و با نگاهی سیاسی و هدفمند سعی دارد نگاه غربگرایانه را بر دیده مخاطب گشایش دهد؛ از عملیات ابتدایی در خاورمیانه و جانفشانی یکی از افراد تا صحبت‌های داخل کلیسا، ارزش‌گذاری بر ملکه انگلستان و حتی رفع اتهام مشکلات دنیا از سیاستمداران که در سکانس صحبت با اوباما! جلوه بیشتری پیدا می‌کند! در حقیقت این فیلم را می‌توان یکی از گسترده‌ترین آثار عامه‌پسند با چاشنی سیاسی دانست که به دلیل لحن فیلم و نحوه چینش و بیان سینمایی سعی بر جذب مخاطب دارد. با این حال، لحن غیرجدی فیلم فراتر از هجو پیش می‌رود و سکانس‌های عجیب و غریبی مانند سکانس کلیسا را رقم می‌زند که تماشای دوباره این حجم از خشونت برای مخاطب غیرقابل پذیرش است یا در سکانس انفجار کله‌ها! تضاد بصری و رنگ‌آمیزی شاد با اتفاقی که به واقع در حال رخ دادن است، یکی از غیرمعمول‌ترین سکانس‌ها در آثاری این‌چنینی را رقم زده است.

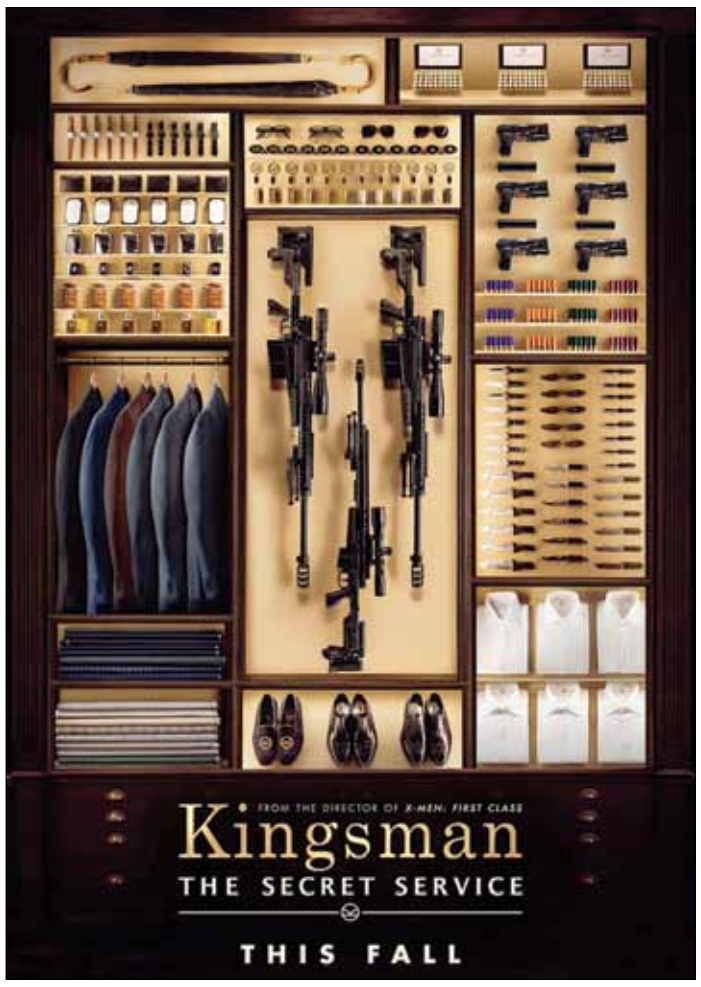

بررسی انیمیشن روانکاوانه «پشت و رو» (Inside Out)

کشف راز لحظه‌ها

یکی از مهم‌ترین اتفاقات صورت یافته در سال ۲۰۱۵ که بحث‌ها و نقدها و تحلیل‌های بسیاری به جا گذاشت، عرضه فیلم انیمیشن «پشت و رو» (Inside Out) جدیدترین اثر استودیوی مطرح پیکسار بود. داستانی روانکاوانه درباره رفتارهای آدمی از زبانی کودکانه و با نگاهی فلسفی. انیمیشنی که داستانش در ذهن یک دختر ۱۱ ساله می‌گذرد و حتی بیش از کودکان می‌تواند بزرگسالان را با خود درگیر کند و از حالا می‌توان گفت از مهم‌ترین بخت‌های کسب جایزه اسکار در بخش انیمیشن در زمستان امسال خواهد بود. یک تراژدی با داستان‌گویی پرجزئیات و بی‌نظیر که قلمرو جدیدی در حوزه انیمیشن‌سازی و فرهنگ عامه را نمایان می‌کند. «پشت و رو» بیشتر از تمام کارهای این استودیو به منبع الهام آنها، یعنی آثار هایائو میازاکی نزدیک است. تشخیص رفتارهای آدمی در برابر موقعیت‌های مختلف که در کنار حس‌های مختلفی مانند غم، اندوه و آشفتگی قرار گرفته و می‌تواند در ترکیب با یکدیگر به یک مطالعه شخصیتی درگیرکننده تبدیل شود که در حد صدها جلد کتاب روانشناسی سنگین حرف می‌زند و بدون اینکه متوجه شوید ذهن را در هر سن و سالی که هستید، کالبدشکافی می‌کند و با لمس نقاط حساس و فراموش‌شده خاطرات به یک موسیقی خلسه‌وار تبدیل می‌شود. فیلم از نگاه یک بزرگسال می‌تواند به عنوان چوب کبریت روشنی عمل کند که فیتیله دینامیت نوستالژی دوران کودکی‌اش را روشن کرده و می‌گذارد منفجر شود و از نگاه همین بزرگسال تبدیل به نمایش زیبایی درباره نوع نگاه پدر و مادرها به رفتار و خواسته‌های فرزندشان خواهد شد. اکثر زمان فیلم را درون ذهن دختری به اسم رایلی می‌گذرانیم که به خاطر تصمیم پدرش برای نقل‌مکان از مینه‌سوتا به سان‌فرانسیسکو ناراحت و افسرده است. چون این به معنی دوری از تمام چیزهایی که شخصیتش در تعامل با آنها شکل گرفته و خداحافظی با دوستانش و خاطرات خوش و لذتبخش محل زندگی‌شان است. او مثل هر بچه دیگری در این موقعیت، از شروع دوباره می‌ترسد و دلتنگ گذشته‌هاست. این یکی از ابتدایی‌ترین بحران‌های روانی هر انسانی است که مدیریت درست آن می‌تواند آن کودک را یک مرحله بزرگ‌تر کند. اما وظیفه این کار برعهده ۴ احساس اصلی رایلی است که در دفتر مرکزی مغزش، کنترل اوضاع را برعهده دارند. لذت: دختری که روحیه شاداب و پرجنب و جوشی دارد؛ غم: دختر چاقی که همیشه ناراحت و خسته است؛ ترس: یک موجود بنفش استخوانی با چشمانی درشت؛ انزجار: دختری سبزرنگ که کمی افاده‌ای است و خشم: مرد کت و شلوارپوش سرخ‌رنگی که راه و بی‌راه از کوره در می‌رود! احساسات رایلی متخصص کنترل روان او نیستند و رایلی قبلا چنین بحران‌های احتمالی را در آموزشگاهی مرور نکرده تا از قبل توانایی مبارزه و واکنش درست در مقابله با آنها را داشته باشد. آنها جزئی از رایلی هستند که رشد فکری‌شان مساوی است با رشد فکری رایلی. پر واضح است که یکی از زیباترین جنبه‌های سینما داستان‌گویی تصویری است، چنانکه از همان وقتی که رایلی را برای اولین‌بار می‌بینیم، او درحال تقلا و مبارزه برای کنار آمدن با تغییر ناخواسته‌ای است که در زندگی‌اش رخ داده است. سفر ما به درون ذهن او به جای یک ماجراجویی فانتزی و هیجان‌انگیز در بدن یک انسان، بیشتر فرصت و تمهیدی برای تصویری کردن اعصاب آشفته و احساسات گم‌شده‌ای هستند که از منطقه آسایش‌شان بیرون شده‌اند و باید خودشان را در مقابل یک بحران و ماموریت ناشناخته آبدیده کنند. به این ترتیب، «پشت و رو» به کندوکاوی روانشناسانه از دوره‌ای از زندگی انسان تبدیل می‌شود که نه تنها خیلی از ما آن را از سر گذرانده‌ایم بلکه این دوره همان زمانی است که بچه بازیگوش را با یکی از حقایق بزرگسالی آشنا می‌کند. تمام کاراکترها و لوکیشن‌هایی که ما داخل ذهن رایلی با آنها آشنا می‌شویم، حالت تمثیلی دارند و نماینده تصویری احساساتِ غیرقابل‌نمایش‌اش هستند. برخلاف دیگر کارهای فانتزی و علمی - تخیلی پیکسار، اینجا با رویایی طرف هستیم که در واقعیت ریشه دوانده و خودش را به مرور توضیح می‌دهد. کافی است دقت کنید که دنیای این سوی ذهن رایلی، اگرچه از طریق تصویرسازی کامپیوتری خلق شده اما چقدر شبیه دنیای واقعی ما است. کارگردانی فیلم به زیبایی توسط پیتر داکتر اجرا می‌شود، فیلمسازی که در «کمپانی هیولاها» و «بالا» نشان داده بود توانایی عجیبی در ترکیب اکشن و ماجراجویی‌های تند و سریع و عقب نماندن از پرداختن به موضوعات عمیق‌تر فیلمنامه دارد. این اتفاق در «پشت و رو» افتاده و شخصیت‌پردازی بی‌عیب و نقص فیلم به‌علاوه احساس درگیری شدیدی که بیننده با اتمسفر نزدیک فیلم برقرار می‌کند، باعث می‌شود سکانس‌های هیجان‌انگیز «پشت و رو» در حد یک تریلر بزرگسالانه، دلهره‌آور و تکان‌دهنده شود. فیلم «پشت و رو» در بخش پرداخت شخصیت‌ها نیز به بلوغ کامل می‌رسد و بخوبی ۵ شخصیت اصلی داستان را که ۵ احساس رایلی هستند بسط و گسترش می‌دهد. این شخصیت‌های جذاب و دوست‌داشتنی بده بستان کلامی فوق‌العاده‌ای با یکدیگر دارند و می‌توانند با شوخی‌های بامزه‌شان خنده را به لب هر مخاطبی بیاورند. در نقطه مقابل احساسات خام رایلی ۱۱ ساله، ما با ۵ احساس ذهن پدر و مادر رایلی مواجه هستیم که برخلاف ذهن رایلی، آنها ظاهرا تفاوت‌های وجودی‌شان را درک کرده و بخوبی با کمک یکدیگر ذهن را مدیریت می‌کنند و به عبارت دیگر، این احساسات در افراد بزرگسال از حالت بی‌ثباتی خارج شده و از نظم و درک متقابلی برخوردار شده است. فیلم «پشت و رو» از فرآیندهای روانشناسی پیچیده‌ای استفاده می‌کند و آنها را به طرقی که ممکن است مرتبط باشند ساده‌سازی می‌کند. فیلم بدون اینکه تاریک‌گرایانه شود وارد آب‌هایی عمیق می‌شود و با لحظاتی از وخیم شدن شخصیت روبه‌رو می‌شویم که بعد از محو شدن خوشحالی و غم (و خاطرات مربوط به آنها) رخ می‌دهد.

یادداشتی درباره ساخت مستند «تنها میان طالبان»

جسارت در پرداختن به موضوعی ملتهب

مدیر مرکز مستند سوره در یادداشتی با اشاره به مستند «تنها میان طالبان» ساخته محسن اسلام‌زاده آورده است این فیلم در حوزه مستندهای کشور یک اتفاق است. به گزارش مهر، در یادداشت محسن یزدی آمده است: «مستند تنها میان طالبان» روایت حضور یک مستندساز جسور ایرانی است که به تنهایی میان گروه مخوف طالبان رفته تا مخاطب را از نزدیک و بدون واسطه با آنها آشنا کند. مخاطب در این مستند که می‌توان گفت از جهاتی منحصربه‌فرد است با گروهی آشنا می‌شود که تاکنون تنها به واسطه رسانه‌ها آن هم به شکل مبهم نامشان را شنیده یا اخبار آنها را پیگیری کرده است. در این مستند می‌توانید جواب برخی سوالات مهمی را که درباره طالبان دارید از مسؤولان و البته یکی از رهبران بلندپایه آن بشنوید و به این شکل دید واقعی‌تری نسبت به آنها پیدا کنید. از این جهت مستند توانسته به کارکرد ویژه خود که همیشه در تعاریف مستندهای از این دست در کتاب‌ها و نشست‌ها دیده یا شنیده بودیم دست پیدا کند. «تنها میان طالبان» را شاید بتوان یک «اتفاق» در مستندهای بحران شده در کشور دانست. قبلا هم شاهد حضور مستندسازان شجاع در میادین جنگ منطقه و خارج از منطقه بوده‌ایم اما اینکه یک مستندساز بتواند در موقعیتی غیر از موقعیت جنگی، به تنهایی و بدون پشتیبانی ویژه‌ای، ۲ هفته را میان گروهی مانند طالبان به سر ببرد اتفاق منحصربه‌فردی است که حداقل نگارنده مشابه آن را در کشور به یاد نمی‌آورد. به علاوه این مستند توانسته از برخی ضعف‌های معمول مستندهای بحران نیز سربلند بیرون بیاید. علاوه بر این به‌رغم سختی و محدودیت‌های تولید، متن روان و گویا، موسیقی مناسب، استفاده از اطلاعات جانبی برای شیرفهم کردن مخاطب و ریتم خوب که البته در جایی از مستند کمی به هم می‌ریزد جزو ویژگی‌های کار محسن اسلام‌زاده به عنوان کارگردان کار است، مستندسازی که علاوه بر جسارت فوق‌العاده‌اش، حالا به توانایی قابل قبولی در فرم نیز دست پیدا کرده است. به این دلایل، «تنها میان طالبان» از مستندهایی است که باید دید و باید دیدنش را به دیگران، چه مخاطبان حرفه‌ای مستند و چه مخاطب عام توصیه کرد. اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که «تنها میان طالبان» نتیجه لذتبخش تقویت جناح مومن و انقلابی است که در یک روند منطقی و درست در موسسه‌ای به نام «میثاق» شکل گرفته است. سلیم غفوری به‌عنوان مسؤول این موسسه سال‌هاست به دور از هیجانات معمول برخی مدیریت‌ها برای گرفتن نتیجه سریع و تب بیلان‌کاری‌های فرهنگ‌برانداز، در یک پروسه، اقدام به توانمندسازی مستندسازان دغدغه‌مند و تولید آثار متناسب با منافع کشور کرده است و امروز ما نتایج این روند را یک به یک با مستندسازان این موسسه شاهد هستیم. روند کاری سلیم غفوری به ما می‌فهماند تربیت هنرمند و به تبع آن تولید آثار هنری مناسب در فرم و محتوا مانند «تنها میان طالبان»، نه یک روند «کیلویی» و «مونتاژی»، بلکه یک مسیر طولانی و هوشمندانه است».

رویدادها

پخش «سوگ عرشیان» با موضوع سبک زندگی قرآنی از شبکه قرآن

ویژه‌برنامه «سوگ عرشیان» با موضوع سبک زندگی قرآنی با نگاه به سیره نبوی، حسنی و رضوی در آخرین شب‌های ماه صفر روی آنتن شبکه قرآن سیما می‌رود. به گزارش تسنیم، «سوگ عرشیان» عنوان ویژه‌برنامه شبکه قرآن سیماست که از ۱۶ آذر تا پایان ماه صفر ساعت ۲۰:۳۰ به صورت زنده و مستقیم از صحن انقلاب حرم مطهر رضوی روی آنتن این شبکه می‌رود. حجج اسلام والمسلمین سعیدی (تولیت حرم مطهر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها)، کازرونی، نظری‌منفرد، صدیقی (امام جمعه موقت تهران) و رئیسی (دادستان کل کشور) به ترتیب به‌عنوان کارشناسان هر شب برنامه «سوگ عرشیان» هستند که به گفت‌وگو پیرامون سبک زندگی قرآنی با نگاه به سیره نبوی، حسنی و رضوی خواهند پرداخت. همچنین برنامه آخر سوگ عرشیان (شنبه ۲۱ آذر) با حضور حجت الاسلام ماندگاری به شرح خطبه امام رضا(ع) در باب امامت، بویژه امامت حضرت علی (ع) و شروع ماه ربیع‌الاول می‌پردازد. تلاوت زنده آیات قرآن توسط قراء بین‌المللی از جمله مسعود پنجه، سیدجواد سادات‌فاطمی، جلیل حسین‌زاده، هاشم روغنی، حمید شاکرنژاد و مهدی شجاع و نیز مرثیه‌سرایی مداحان اهل بیت(ع) از دیگر بخش‌های در نظر گرفته شده در این برنامه است.

■■■

کتاب «مرگ شیطان نزدیک است» منتشر شد

کتاب «مرگ شیطان نزدیک است» به قلم حسن قدوسی‌زاده که به دیدگاه دانشمندان غربی پیرامون فروپاشی آمریکا می‌پردازد از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد. به گزارش فارس، کتاب «مرگ شیطان نزدیک است» در ۶ فصل تنظیم و تدوین شده است که شامل: پیش‌بینی فروپاشی تمدن غرب از دیدگاه دانشمندان غربی، علل فروپاشی تمدن‌ها، نشانه‌ها و شاخص‌های فروپاشی خانواده‌ها در آمریکا، آسیب‌شناسی بحران معنویت در غرب، نشانه‌ها و شاخص‌های افول اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در آمریکا و نشانه‌ها و شاخص‌های افول اقتصادی آمریکاست.

■■■

خالق «پدرخوانده» از اهمیت قرآن سخن گفت

فرانسیس فورد کاپولا، رئیس پانزدهمین دوره جشنواره فیلم مراکش در کنفرانس مطبوعاتی این جشنواره با اشاره به حملات پاریس، بر نقش فیلمسازان در این دوران پرآشوب تاکید کرد. خالق فیلم «پدرخوانده» در این کنفرانس مطبوعاتی با بیان طعنه‌های سیاسی به سینمای غرب گفت: «امروز اگر می‌خواهیم بدانیم چه کسی دارد دنیا را پیش می‌برد، باید نگاه به کسانی کنیم که بیشترین هنرمندان دنیا را استخدام می‌کنند. شرکت‌های مختلفی هستند که آنها را استخدام می‌کنند». کاپولا افزود: زبان سینما با تغییر قرن پیش با پیشگامانی اختراع شد که از نظر تجربی آزاد بودند اما امروز شما جرات تجربه کردن ندارید. آنهایی که صنعت فیلم را کنترل می‌کنند می‌خواهند فیلم‌های پردرآمد بسازند و حالا ما در یک نقطه تغییر هستیم. به عنوان هنرمند می‌توانیم دنیا را تغییر دهیم اما برای این کار نیاز به این داریم که برای تجربه کردن آزاد باشیم. کاپولا در ادامه به جایگاه مسلمانان و نقش قرآن نیز اشاره داشت و افزود: اتفاقی که امروز برای مسلمانان می‌افتد قلب را به درد می‌آورد. اگر قرآن را بشناسی، می‌دانی اولین کلماتی که ادا می‌شود این است که خدا رحمان و رحیم است. اینها کلماتی است که ریشه این دین زیبا را تشکیل می‌دهد که امروز بد تعبیر شده است.

■■■

توجه به اقتصاد مقاومتی با انتصاب مدیرانی در رسانه ملی

با انتصاب ۲ مدیر در رسانه ملی به عنوان «دبیر شورای اقتصاد» و «مسؤول کمیته راهبری اقتصاد مقاومتی»، چرخ توجه به موضوعات اقتصادی در رسانه ملی شتاب بیشتری گرفت. به گزارش فارس، مجید زین‌العابدین رئیس شورای اقتصاد صدا و سیما بنا به موافقت رئیس رسانه ملی، در احکام جداگانه‌ای حجت‌الله عبدالملکی را به‌عنوان دبیر شورای اقتصاد و بیژن عبدی را به‌عنوان مسؤول کمیته راهبری اقتصاد مقاومتی منصوب کرد. این دو مجموعه ذیل شورای اقتصاد فعالیت می‌کند و دبیر شورای اقتصاد رسانه ملی در شبکه ۵، به‌عنوان شبکه اقتصادی سیما مستقر است. کمیته راهبردی گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در رسانه ملی نیز پس از تصویب و ابلاغ برنامه‌های ملی یازده‌گانه در ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی کشور با تمهید رئیس رسانه ملی تشکیل شده است تا علاوه بر هم‌افزایی و هماهنگی برنامه‌های اقتصادی رادیو و تلویزیون، در جهت اقتصاد مقاومتی، فضای گفتمانی را فراهم آورد.